

موشک‌هایی که در اربعین «نماد» شد

امسال راهپیمایی اربعین در ایران و عراق، پیام «مقاومت» را جهانی کرد

اربعین امسال، تفاوت مهمی با تمام پیاده‌روی‌های سال‌های گذشته داشت و آن واکنش بی‌سابقه مردم کشورهای همسایه، به‌ویژه عراقی‌ها نسبت به مقاومت ایران در جنگ تحمیلی ۱۲روژه بود. با حرکت دست‌ها، نمادی از موشک‌های ایران ساخته شد؛ حرکتی که نه از سمت خود ما، بلکه از زبان دیگران، فرصتی برای نمایش هویت و عظمت ملت ایران در سطح جهانی شد.

■ ■ ■

پر تاب موشک‌های ایرانی به سمت اسرائیل، این بار به حماسه اربعین رنگ و بویی تازه بخشید؛ افتخاری که به محور وحدتی مستحکم تبدیل شد. عراقی‌ها و ایرانی‌ها این بار در کنار هم، پرچم ایران را با سربلندی برافراشتند و هلهله‌های «زوار الحسین» در کوچه‌پس‌کوچه‌های کربلا، شور و هیجانی وصف‌ناپذیر به وجود آورد. فضای مجازی مملو از میلیون‌ها تصویر و پیام حمایت و اتحاد بود که روح این‌ همدلی را به نمایش گذاشت؛ پیامی که البته خشم و ناراحتی دشمن را نیز برانگیخت.

از تهران تا بغداد، از قلب ایران تا خاک عراق، پرچم همبستگی بر پا بود و شکوهی بی‌سابقه در حمایت از حق و عدالت نمایان شد.

امسال بیش از هر زمان دیگری، این راهپیمایی عظیم نشان داد اربعین تنها سفری به سوی قبیله دل‌ها نیست، بلکه نمادی از ایستادگی، همدلی و مقاومت مردمی است که با هر قدم‌شان فریاد می‌زنند، ما متحد و قدر تمندیم و حق همیشه پیروز است.

■ **زبان مشترک دل‌های ایرانی‌ها و عراقی‌ها**

در دل هبایهو جمعیت میلیونی زائران که پیاده به سوی حرم امام حسین(ع) می‌رفتند، صحنه‌ای متفاوت و دلگرم کننده شکل گرفت و در فضای مجازی منتشر شد؛ عراقی‌ها با حرکات دست خاص و نمادین‌شان، نمادی از موشک ایرانی را به اشتراک گذاشتند و به آن افتخار کردند. این حرکت که ساده اما پر معنا بود، تبدیل به زبان مشترکی برای بیان پیوندی فراتر از

در حال حاضر حدود ۱۰میلیون نفر از جمعیت کشورمان سالمند هستند و دیگر با سالمندشدن چهره کشورمان و رشد جمعیت سالمندی به یک سوم جمعیت کشور فاصله نداریم! ■ ■ ■

مطابق پیش‌بینی‌ها حدود سه دهه دیگر یک‌سوم جمعیت کشور را سالمندان تشکیل خواهند داد اما همچنان به نظر می‌رسد با وجود فاصله کوتاهی که تا سالمندی کشور در پیش داریم، هنوز هیچ‌گونه تدبیری برای مواجهه با خیل عظیم سالمندان صورت نگرفته است و سالمندان در دوران ناتوانی و نیاز به حال خود‌را می‌شوند.
همچنانکه در حال حاضر بخش قابل توجهی از سالمندان در کشورمان تحت پوشش هیچ بیمه‌ای نیستند و در دوران سالمندی و استراحت بسیاری از آنها ناگزیر از کارند تا بتوانند از پس هزینه‌های زندگی همچون اجاره خانه، خرج خورد و خوراک و از همه مهم‌تر هزینه‌های دارو و درمان خودشان بربایند! این در حالی است که مواجهه با ترکیب جمعیتی یک‌سوم سالمند تا سال ۱۴۳۰ تدبیر و برنامه‌ریزی می‌خواهد و در عمل نمی‌توان این همه سالمند را به حال خود رها کرد.

طبق سناریوهای جمعیتی در سال ۱۴۳۰ حداقل ۲۰میلیون سالمند خواهیم داشت. اگر همه نکات برای حفظ سلامتی افراد رعایت شود و به سالمندی سالم برسند، باز هم در افقی که انتظار ۲۰میلیون

مرزهای سیاسی و جغرافیایی شد.

هر اشاره دست و هر علامت کوچک آنها، گویی فریادی از عمق دل‌های‌شان بود که بگویند با مردمان ایران در یک جبهه ایستاده‌اند؛ جبهه‌ای که پیامش مقاومت، همبستگی و امید بود. مرد عراق، نه فقط با کلمات بلکه با زبان بدن خود، حس غرور و افتخارشان را نسبت به این نماد قدرت به نمایش گذاشتند و این تصویر ساده به نمادی زنده تبدیل شد؛ نمادی از ارادادی که نمی‌توان شکست داد.

عکس‌ها و فیلم‌های پرشور از این لحظات، بارها و بارها، بازنشر شد و موجی از انرژی مثبت در میان زائران و کاربران فضای مجازی ایجاد کرد. پیامش هم واضح بود؛ اینکه ما در برابر ظلم می‌ایستیم و این اتحاد ماست که دنیا را متغییر می‌کند.

■ **خشم دشمنان و مراقبت مردم**

در کنار فیلم‌ها و تصاویر ماندگار از همدلی و اتحاد میان زائران و در دست زمانی که نماد موشک ایرانی در فضای مجازی، ترند و به نمادی از افتخار و مقاومت تبدیل شد، چند مورد رفتار نامناسب و سوء تفاهم کوچک نیز رخ داد که به سرعت و با همکاری و پیگیری جدی مردم و مسئولان، مدیریت و رفع شد.

در یکی از این موارد، پیرمردی که پرچم ایران را پایین آورد، پس از چند ساعت به‌طور عمومی از مردم ایران عذرخواهی کرد، همچنین افسر عراقی‌ای که پرچم ایران را از یک خانم زائر گرفت، با دستور سریع وزارت کشور عراق تحت پیگرد قرار گرفت و نوجوانی که با یک پیر مرد ایرانی شوخی کرده بود نیز در مقابل دوربین مذذرت‌خواهی کرد. همه موارد با هوشیاری کامل مردم و مسئولان حل و فصل شد و آنها آزاره و تداوند این واکنش‌ها خللی در فضای پرشور و راهپیمایی ایجاد کند، البته این طبیعی است که وقتی بیش از ۲۳میلیون نفر با فرهنگ‌ها و آداب مختلف در یک مسیر گرد هم می‌آیند، برخی سوء تفاهم‌ها نیز رخ دهد، اما آنچه بیش از همه در‌خشان باقی ماند، همدلی، عمیق و اتحاد میان ایرانی‌ها و عراقی‌ها بود که همه را

به تحسین واداشت و فضایی امن و آرام را برای زیارت و پیاده‌روی فراهم کرد.

■ **دل‌ها کنار حرم ابا عبدالله(ع) بودند**

اگرچه میلیون‌ها نفر از زائران ایرانی به کربلا نرسیدند، اما دل‌های‌شان در کنار حرم اباعبدالله (ع) بود. روز پنج‌شنبه جاماندگان اربعین در نقطه به نقطه کشور

پیاده‌روی کردند و جلوه‌ای متفاوت از همبستگی و عشق به امام حسین(ع) را به نمایش گذاشتند.

در شهرهای مختلف ایران، از تهران تا تبریز و مشهد، مردم با برپایی موب‌ک‌ها و برگزاری مراسم عزاداری، مسیرهای منتهی به حرم را از حضور خود پر کردند. این اربعین، به‌ویژه با توجه به شرایط سال‌های گذشته، نمادی از پایداری و اراده مردم ایران برای پیوستن به کاروان حسینی بود.

جاماندگان با حضور پرشور خود نشان دادند حتی فاصله‌های جغرافیایی نمی‌تواند عشق به امام حسین(ع) را از دل‌های‌شان بزداید.

در این میان، برخی از جاماندگان با اشعار و نوحه‌های خود، حسرت و اشتیاق‌شان را برای حضور در کربلا



ملی سالمندان کشور عنوان کرده است.

حالا کار به جایی رسیده است که این دبیرخانه نه نظر دارد در بازه زمانی پنج ساله، اقدام به بازنگری سند ملی سالمندان با همکاری تمام دستگاه‌های ذی‌ربط کند. سند ملی سالمندان قرار است مورد اصلاحاتی قرار بگیرد، چراکه چگونگی اجرای سند و وظایف دستگاه‌ها دچار ابهاماتی است.

ایجاد منابع مالی پایدار و خلأهای قانونی از دیگر

این پیام بنیادین را چنین تبیین می‌کند: «اربعین حسینی به ما یادآوری می‌کند که نه گفتن به ظلم هنوز هم ممکن است و در عصری که بسیاری از جوامع به ساختارهای ناعادلانه خو گرفته‌اند، این واقعه نشان می‌دهد می‌توان در برابر بی‌عدالتی ایستاد و مسیر دیگری را انتخاب کرد.»

او ادامه می‌دهد که پیام اربعین را باید در سه سطح تحلیل کرد: «سطح فردی، اجتماعی و بین‌المللی. در سطح فردی، این واقعه یادآور زنده بودن ارزش‌هایی چون عدالت، ایثار و آزادی است. در سطح اجتماعی، جلوه‌ای واقعی از برادری و همبستگی میان انسان‌ها فارغ از تفاوت‌های زبانی و مذهبی را نمایش می‌دهد و در سطح بین‌المللی، اربعین فریادی است رسا علیه قدرت‌های سلطه‌گر با این پیام روشن که «سکوت در برابر ظلم جایز نیست.»

رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز اربعین را «رسانه‌ای زنده» خوانده‌اند؛ رسانه‌ای که بدون نیاز به بودجه یا تجهیزات، صدای خود را به گوش جهانیان می‌رساند. حجت‌الاسلام خلیلی تأکید می‌کند: «اربعین فقط یک آیین مذهبی نیست، بلکه یک بیانیه زنده و سالانه است که با هر قدم زائرانش امضا می‌شود و به جهان اعلام می‌کند که هیئت من‌الذله همچنان مرز آزادی‌خواهان است.»

■ **استگر مستحکم در برابر زور گویی جهانی**

مریم یوسفی، مدرس حوزه و دانشگاه‌های آذربایجان شرقی نیز معتقد است که اربعین ریشه در حماسه عاشورا دارد؛ حماسه‌ای که خود نمادی از جانشانی برای عدالت است. او می‌گوید: «حضور گسترده و پرشور زائران در کربلا نشان می‌دهد روحیه عاشورایی همچنان در گ‌های ملت‌ها جاری است و این‌ها حاضر نیستند زیر بار سلطه و اشغالگری بروند.»

یوسفی اربعین را نمایش خیره‌کننده قدرت نرم و همبستگی انسانی می‌داند که در عصری که قدرت‌های بزرگ به دنبال تفرقه هستند، این تجمع عظیم بدون هیچ‌گونه اجبار و با عشق و اراده قلبی از ایمان و وحدت مواجه خواهد شد.»

اربعین فراتر از یک مراسم مذهبی، پیامی زنده و ریشه‌دار در آزادی‌گی، عدالت‌خواهی و ایستادگی است. همان‌گونه که امام حسین(ع) در برابر یزد زمان ایستادگی کرد، امروز نیز مسلمانان و آزادگان جهان وظیفه دارند در مقابل امریکا و رژیم‌صهیونیستی که نماد ظلم، استعمار و خون‌ریزی هستند، مقاومت کنند. این حرکت عظیم، یادآور این واقعیت است که سکوت در برابر جنایات، خیانتی آشکار به راه حسین(ع) است و تنها با اتحاد و همدلی می‌توان پرچم حق را بر فراز جهان برافراشت.

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد خلیلی، استاد

دانشگاه و مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه پیام نور آذربایجان شرقی در گفت‌وگویی،

قرار دارد.

یوسفی می‌گوید: «در زمانی که تلاش‌های زیادی برای معرفی اسلام به عنوان دینی خشونت‌طلب و افراطی صورت می‌گیرد، حضور میلیونی زائران سرشار از عشق، ایثار، سخاوت و صلح، این تصورات غلط را به چالش می‌کشد.»

از نظر این مدرس حوزه و دانشگاه، اربعین نه تنها یک رویداد مذهبی بلکه یک پدیده ژئوپلیتیکی بسیار مهم است که ظرفیت تغییر معادلات منطقه‌ای و تقویت محور مقاومت در برابر استکبار جهانی را دارد. او می‌افزاید: «این همبستگی رو به رشد می‌تواند به تدریج به شکل‌گیری یک بلوک قدرتمند منطقه‌ای منجر شود که نتوان مقابله با نفوذ خارجی و حفظ استقلال و حاکمیت کشورهای منطقه را خواهد داشت.»

می‌تواند باعث افزایش آسیب‌پذیری سالمندان، فشار بر نظام سلامت، کاهش میزان کیفیت زندگی، بار اقتصادی در خانواده‌ها، از دست رفتن فرصت استفاده از ظرفیت سالمندان و در نهایت تشدید نابرابری‌ها شود چراکه بدون اجرای کامل سند، سالمندان مناطق محروم یا سالمندان تنها و سالمندان بدون پشتوانه مالی، بیشتر از دیگران آسیب می‌بینند و شکاف‌های اجتماعی عمیق‌تر می‌شود.

آنطور که مژگان رضازاده، رئیس دبیرخانه شورای ملی سالمندان گفته است، سند ملی سالمندان در مراحل نهایی بازنگری و اصلاح است تا بتواند پاسخگوی تحولات جمعیتی و نیازهای جدید این گروه باشد. به گفته وی، اصلاح آیین‌نامه سند ملی به منظور تقویت ساختار مدیریتی و هماهنگی بیشتری در دستگاه‌ها انجام می‌شود.

رضازاده در پاسخ به این پرسش که آیا برای سند ملی سالمندان ردیف بودجه‌ای در نظر گرفته شده، گفته است: «کتابتات و پیگیری برای ردیف بودجه در دستور کار شورای ملی سالمندی است.» سرنوشت میلیون‌ها سالمند در سال‌هایی نه چندان دور در دست برنامه‌ریزانی است که امروز در ستین میانسالی قرار دارند. این تردید نداشتن برنامه درست برای مواجهه با چالش‌های این تعداد سالمند می‌تواند کشور را به بحران‌های جدی وارد کند، پس تدبیر نشده است باید فکری کرد.



موضع رسمی دولت کو؟!

در روزهای اخیر انتشار سخنان و اظهاراتی از مسئولان دولت راجع به مسئله حجاب، نگرانی و اعتراض دغدغه‌مندان جامعه را برانگیخته است. معاون وزیر گردشگری در اظهار نظری نسنجیده و عجیب در پاسخ به توضیحات یکی از مسئولان محلی پاسخ می‌دهد که «گردشگر می‌آید، روسری ندارد، نداشته باشد! مگر در تهران کسی روسری دارد؟» چندی بعد استاندار، مازندران در همایشی پشت تریبون رسمی صریحاً اعلام می‌کند: «تا وقتی مردم گرم‌نه‌اند، اعتقادی به عفاف و حجاب ندارم.»

چنین اظهارات ناپخته و خطرناکی اگرچه در پوستین دغدغه‌مندی معیشتی و اجتماعی پیچیده اما بازتابی است از جاگیری آرام جریان‌هایی که احکام و شریعت الهی را کم‌اهمیت جلوه می‌دهند یا دست کم اولویتی قابل تساهل می‌دانند. توالی و تکرار چنین اظهاراتی میان مسئولان دولتی باعث ایجاد چنین ظنی در جامعه می‌شود که این سخنان، نه لغزش‌های کلامی که ناشی از لغزش‌ها و انحرافات فکری و اعتقادی است. آقایان طوری اظهارنظر می‌کنند که گویی مقصر وضعیت فعلی معیشت و مسئول اصلاح آن کسانی غیر از حضرت‌شان است!

هیب قلیب سلیم و عقل فهیمی اقتصاد را در تقابل ارزش‌های اجتماعی اقامه نمی‌کنند و پروضح است که نقص و کوتاهی در یکی از اینها دلیل بر ترک و رهاکردن دیگری نیست. در شرایطی که کشور بیش از هر زمان دیگری نیازمند انسجام و وحدت است و دولت فعلی خود را پیرو سیاست وفای می‌داند، ایجاد دوقطبی «معیشت-شریعت» و «نان-ایمان» از سوی مسئولان، هم بر خلاف رویه و سیاست‌های دولت مستقر است و هم بر خلاف صلاح جامعه و توصیه‌های صریح رهبری.

آقای رئیس‌جمهور که خود بحمدالله مانوس با نهج‌البلاغه و فرمایشات امیرالمؤمنین(ع) هستند، حتماً این فراز را مطالعه فرموده‌اند که ایشان در نهج‌البلاغه هشدار داده‌اند: «ما ترک قوم‌الامر بالمعروف والنهی عن المنکر إلا سلب الله علیهم شرارهم»، هر گاه مردمی را به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، خداوند بدترین افراد را بر آنان مسلط می‌کند.

بی‌اعتنایی به احکام الهی، به‌ویژه حجاب که حصار امنیت اخلاقی جامعه است، نه فقط یک دوقطبی کاذب و منحصر به یک قواره روسری و چند تار مو که گامی خطرناک در مسیر فرسایش ارزش‌هاست.

امروز حجاب، فردا عدالت، پس فردا مبارزه با فساد و این عقب‌نشینی، بی‌صدا اما پیوسته رخ می‌دهد. تلاش برای رفع مشکلات سخت اقتصادی، ناترازی‌های آب و برق و حتی بسیاری از مسائل امنیتی و منطقه‌ای بر عهده دولت است و تریق دوقطبی‌های کاذب در جامعه باعث رفع این تکالیف و شانه خالی کردن و عدم مؤاخذه دولتمردان و مسئولان از سوی افکار عمومی نخواهد شد. آقای رئیس‌جمهور قبلاً به درستی اشاره کرده‌اند که حل مسئله حجاب با روش‌های قهری و تند ممکن نخواهد بود و نیازمند اقدامات فرهنگی و ملامطت با جامعه است.

حالا تقریباً تمام دغدغه‌مندان فرهنگی هم اذعان دارند که این مسئله، نسخه‌ای چندوجهی می‌طلبد و به صرف دستگیری و اقدامات تحقیر آمیز قادر به اصلاح این وضعیت نخواهیم بود. اما دولت به عنوان قوه مجری به نظام اسلامی، باید موضع خود را شفاف و رسمی اعلام کند؛ آیا از سخنان اخیر می‌داند؟ سخنان منتشرشده از این مسئولان، موضع رسمی و ابلاغ شده دولت به زیرمجموعه‌های خود است یا اعتقادی شخصی و خلاف ارزش به مستلزم تذکر است؟ دولت باید مراقب باشد که بی‌توجهی یا سکوت در برابر این اظهارات، به معنای تأیید یا عادی‌سازی آنها برداشت نشود. هر واژه در دهان یک مسئول، وزنی دارد که می‌تواند جامعه را به سوی صلاح یا انحراف سوق دهد. در پایان یادآوری فرمایشی از حضرت امیر(ع) به دولت و رئیس‌جمهور محترم لازم است که «نَ أَحَقُّ النَّاسِ بِأَلَمِّ الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَیْهِ، وَأَعْلَاهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ قَیْهِ»، سزاوارترین مردم به حکومت، تواناترین آنها بر آن و عمل کنندترین‌شان به فرمان خدا در زمینه آن است!

مهارت پلیس

در کنشگری هوشمند با مردم

رژیم صهیونی در جنگ ۱۲ روزه، به دو مزیت مطلق ایران یعنی قدرت موشکی و ساختار انتظامی واقف شد که هر دو مؤلفه ضمن موفقیت در تغییر معادله به نفع کشورمان، به محبوبیت رانصوری در بین ایرانیان دست یافتند.



محمدرضا طوریانی
استاد دانشگاه

را برنامه‌ریزی کرده بودند. عناصر وطن‌فروش در دو حیطه خشونت و آشوب خیابانی به خیال خام غفلت و انفعال نیروهای انتظامی و امنیتی، به دنبال «پروژه کشته‌سازی» بودند، اما همپوشانی هم‌افزایی و همدلی برآمده از انسجام اجتماعی ملی و هوشیاری پلیس ایران که از فضای مجازی تا مرز را رصد تحلیلی، برآوردی و عملیاتی کرده بود، مکانیسم «شورش، بحران، تجزیه» را غیر کاربردی کرد.

پیوست ناآرامی شهری و جنگ سرد امنیتی داخلی، در بازل ذهنی موساد برای حمله به ایران، نقش قطعه اصلی را ایفا می‌کند. تا زمانی که ترند «مشغول‌سازی» از سوی رژیم صهیونی با استفاده از دو اصل نفوذ و غافلگیری و در دو بستر جنگ روانی و تحریک اجتماعی در ایران با در بسته مواجه می‌شود، هر نوع حمله پیش‌دستانه علیه ایران، تفرکی سوخته و اقدامی هرز بنه است. زاویه دید اجتماعی پلیس ایران با مفهوم امنیت ملی و دفاع چندلایه با پشتوانه شبکه یکپارچه و منسجم خبری و اقماعی، قابل توجه است. افزایش سطح تاب‌آوری اجتماعی، ارتقای ضریب انسجام ملی، تقویت دفاع هیبریدی، شناسایی ظرفیت‌های پنهان و نهان مردمی از نتایج ملموس و عینی تفکر پلیس مردمی است. دشمن صهیونی به دنبال ایجاد خلأ امنیتی در شهرها و مرزها بود اما شبکه مویرگی امنیتی فراجا از کلانتری‌های شهری تا پاسگاه‌های مرزی، در جنگ فیزیکی یا عوامل آموزش‌دیده و حرفه‌ای موساد، به مرجمیت ذهنی، روانی و رفتاری هومطنان تبدیل شد و ساختارمند و هدفمند سلول‌های ترور رستی را متلاشی کردند.

در مرحله بعد، موساد به دنبال خلأ رسانه‌ای استفاده از عملیات روانی پیچیده بود که گزارش‌های کارآمد و روزآمد پلیس در رزم رسانه نیز موفق عمل کرد. آنچه مهم است گذر از مرحله گزارش‌گرایی در ایام جنگ به روایتگری و مستندسازی در منطقه کاستری (نه جنگ، نه صلح) است. با تداوم مقبولیت مردمی فراجا و افزایش حمایت فرابخشی حاکمیتی از تفکر اجتماعی محور فراجا، می‌توان به سمت تربیت نسل ماهر و باورمند راویان نبرد ۱۲ روزه باز تراز و شاخص شهید مرتضی آوینی، حرکت کرد تا روح جمعی ایرانیان به گفتمان مقاومت ملی در مبارزه با دوقدرت هسته‌ای جهان مبدل شود. بازیابی و بازگویی روایا، ایباد و مختصات جنگ ۱۲ روزه از سوی سربازان رسانه‌ای پلیس ایران، فرایند انتقال سینه‌به‌سینه روایت ملی چنین پیروزی ماندگاری است. نسل‌های آینده این مرز و بوم را حتمی و قطعی خواهد کرد چراکه تاکنون نیز رابطه مردم با پلیس به فرایند کنشگری هوشمند ملی تبدیل شده است.